



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volume: 15 Issue: 35

Summer 2024

Article Type: Research Article

Pages: 169-194

A Comparative Study on the Legal Challenges of Application of Jurisdiction Due to Nationality of the Victim

Hossein Fakhr¹

1. Associate Professor, University of Tabriz, Iran

hfakhr@tabrizu.ac.ir

Abstract

The criminal jurisdiction due to the victim's nationality, according to which any state can deal with the crimes committed against its nationals in the territory of another state, is not established in international law, but no international treaty or custom prohibits the sovereign states from applying it. The laws of countries with established legal systems have deferred its application to considerations and conditions such as the severity of the crime and the permission of the judicial authorities. Although the Islamic Penal Code of 1392 has limited the application of the mentioned principle to the presence of the trial, the rule of double criminality and the rule of prohibition of retrial, but with the limited acceptance of the rules of double criminality and the prohibition of retrial only in unspecified ta'zir crimes, the way to avoid them in other crimes committed against Iranians or Iranians abroad. Accepting the aforementioned principle of jurisdiction without considering criteria such as the relative severity of the crime and narrowing the rule of prohibition of re-trial to the definitive rulings of the country where the crime occurred can intensify the conflict of jurisdiction between Iranian and foreign courts. Therefore, considering some logical objections to the mentioned principle, it is necessary to limit the scope of its implementation by modifying the existing conditions and adding other conditions.

Keywords: Cross-border jurisdiction, victim, Article 8, double criminality, prohibition of retrial.

Received: 2024/01/17 Received in revised form: 2024/05/14 Accepted: 2024/05/27 Published: 2024/06/30

DOI: 10.22034/LAW.2024.60116.3358

Publisher: University of Tabriz

Tabrizulaw@gmail.com



مطالعه‌ای تطبیقی در باب چالش‌های قانونی اعمال صلاحیت ناشی از تابعیت بزه‌دیده

حسین فخر^۱

hfakhr@tabrizu@tabrizu.ac.ir

۱. دانشیار دانشگاه تبریز، ایران

چکیده

صلاحیت کیفری ناشی از تابعیت بزه‌دیده که بر اساس آن هر دولتی می‌تواند به جرایم ارتكابی علیه اتباع خویش در قلمرو دولتی دیگر رسیدگی کند، در حقوق بین‌الملل تثبیت نشده است، اما هیچ معاهده یا عرف بین‌المللی دولت‌های حاکم را از اعمال آن منع نمی‌کند. قوانین کشورهای دارای نظام حقوقی قوام‌یافته اعمال آن را به ملاحظات و شروطی نظیر شدت جرم و اجازه مقامات قضایی موکول کرده‌اند. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگرچه اعمال اصل یادشده را به حضوری بودن محاکمه، قاعده مجرمیت دوگانه و قاعده منع محاکمه دوباره محدود کرده، ولی با پذیرش محدود قواعد مجرمیت دوگانه و منع محاکمه دوباره فقط در جرایم تعزیری غیرمنصوص راه را برای عدول از آنها در سایر جرایم ارتكابی علیه ایرانی یا ایران در خارج از کشور باز گذاشته است. پذیرش اصل صلاحیتی یادشده بدون توجه به معیارهایی چون شدت نسبی جرم و تضییق قاعده منع محاکمه دوباره به احکام قطعی کشور محل وقوع جرم می‌تواند باعث تشدید تعارض صلاحیت دادگاه‌های ایرانی و خارجی گردد. از این رو، با توجه به برخی مخالفت‌های منطقی با اصل یادشده، لازم است دامنه اجرای آن با اصلاح شرایط موجود و افزودن شرایطی دیگر محدود گردد.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، صلاحیت فرامرزی، ماده ۸، مجرمیت دوگانه، منع محاکمه دوباره.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹

DOI: 10.22034/LAW.2024.60116.3358

Tabrizulaw@gmail.com

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

در اصطلاح حقوقی، صلاحیت عبارت است از شایستگی یک مرجع برای رسیدگی به یک موضوع از دیدگاه حقوقی^۱ و صلاحیت کیفری عبارت است از «توانایی و شایستگی قانونی و نیز تکلیف مرجع قضایی برای رسیدگی به یک دعوای کیفری»^۲. صلاحیت کیفری از مهم‌ترین مباحث حقوق کیفری بین‌المللی است که به‌موجب آن یک دولت می‌تواند قوانین جزایی خود را از طریق دادگاه‌های ملی خود نسبت به جرمی اعمال کند. اختیار دولت در محاکمه بزه‌کاران، به جرایم واقع در قلمرو حاکمیت خودش محدود نمی‌شود، بلکه ممکن است در تعقیب جرایم ارتكابی خارج از قلمرو حاکمیت، تابعیت کنشگران جرم (بزه‌کار یا بزه‌دیده)^۳ دستاویز ادعای صلاحیت از سوی دولت گردد.

در صورت ابتنای صلاحیت بر تابعیت بزه‌دیده که «صلاحیت شخصی منفعل یا منفی» نامیده می‌شود، کشور متبوع وی در دفاع از بزه‌دیدگی تبعه در خارج، به اعمال صلاحیت می‌پردازد. این نوع صلاحیت که به‌طور کلی به مفهوم اختیار قانونی یا قضایی دولت در رسیدگی به جرایم واقع شده علیه اتباع آن در خارج از قلمرو حاکمیت است، در قوانین برخی کشورها پذیرفته شده و قانون‌گذار ایران که قبلاً نسبت به جرایم معدودی آن را پذیرفته بود، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آن را به همه جرایم ارتكابی علیه ایرانیان در خارج تعمیم داده است. همچنین، این قانون صلاحیت دادگاه‌های ایرانی را به کلیه «جرایم علیه ایران» که در خارج ارتكاب می‌یابد، گسترش داده است. منظور از این صلاحیت، صلاحیت

۱. علی خالقی، *آیین دادرسی کیفری*، (تهران: شهردانش، چ ۱، ۱۳۸۷)، ص ۲۶۷.

۲. محمد آشوری، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۲، (تهران: سمت، چ ۱، ۱۳۸۲)، ص ۳۹.

۳. به تعریف ماده ۱۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ و اصلاحات آن: «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد...» و طبق ماده ۱۴ آن، قانون، ضرر و زیان می‌تواند مادی، معنوی یا منافع ممکن‌الحصول باشد. واژه بزه‌دیده در بادی امر به نوع مستقیم آن انصراف دارد. دیوان عالی فرانسه در قضیه قتل رئیس جمهور نیجریه با استناد به ماده ۷-۱۱۳ قانون جزای فرانسه (۱۹۹۲) که تابعیت قربانی جرم را مدنظر قرار داده است، اذعان داشت که فرانسوی بودن خانواده مقتول درحالی که خود وی تبعه نیجریه بوده است، موجب صلاحیت دادگاه‌های فرانسه نمی‌شود؛ زیرا منظور از قربانی جرم که تابعیت فرانسوی وی در آن ماده معیار صلاحیت محاکم فرانسه قرار گرفته است، قربانی جرم در مفهوم محدود این کلمه است که بر قربانی مستقیم جرم صدق می‌کند. نک:

- Commentaire de l'arrêt Crim. 31 janvier 2001, Bull. n 31.

مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده در زمان ارتکاب جرم است. چنانچه تابعیت بزه‌دیده تغییر یافته باشد، تابعیت زمان ارتکاب جرم علیه وی تعیین‌کننده دولت صالح خواهد بود.^۱ «در نتیجه اکتساب بعدی تابعیت از سوی قربانی جرم، مشمول صلاحیت شخصی منفعل نمی‌شود».^۲ ملاک بودن تابعیت بزه‌دیده در زمان ارتکاب جرم، در قوانین ایران و کشورهای همسایه نظیر عراق، ترکیه و افغانستان تصریح نشده است، ولی ماده ۷-۱۱۳ قانون جزای فرانسه تصریح می‌کند که بزه‌دیده باید در زمان ارتکاب جرم، فرانسوی باشد.

موضوع این نوشتار بررسی چالش‌های فراروی اعمال صلاحیت شخصی ناشی از تابعیت بزه‌دیده با رویکرد تطبیقی است. به این منظور، نخست، پیشینه تاریخی و مبانی نظری این اصل مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس، چالش‌های تقنینی اعمال این نوع صلاحیت در سه زمینه مربوط به جرم، بزه‌دیده و شروط مصرح ماده ۸ ق.م.ا با تأکید بر ق.م.ا ۱۳۹۲ مورد مذاقه واقع می‌شود تا شرایط اجرای آن در نظام حقوقی ایران و ایرادات و نارسایی‌های آن تبیین گردد.

۱. پیشینه تاریخی و مبانی نظری

این نوع صلاحیت در مقایسه با سایر اصول صلاحیت فراسرزمینی سابقه کمتری داشته، ایرادات و انتقادات بیشتری را برانگیخته و هنوز در قوانین برخی از کشورها پذیرفته نشده است. کشورهایی که این اصل را پذیرفته‌اند، اعمال و اجرای آن را به شرایطی محدود کرده‌اند تا از انتقادات مطرح‌شده در امان بمانند.

۱.۱. پیشینه تاریخی

در میان اصول صلاحیت فراسرزمینی، این اصل بیش از سایر اصول در معرض مناقشه و مخالفت بوده است.^۴ از این رو، علاوه بر اینکه هنوز در قوانین ملی برخی کشورها شناسایی نشده، ورود آن در قوانین ملی دیگر کشورها و اسناد بین‌المللی، دیرنگام و محدود بوده است. از لحاظ تاریخی، این اصل به عنوان ضابطه‌ای مستقل در صلاحیت فراسرزمینی سابقه

4. Eric Cafritz & Omer Tene, "Article 113-7 of the French Penal Code: The Passive Personality Principle", *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol. 41, 582, (2003), p. 586.

چندانی ندارد و از اصل صلاحیت واقعی منشعب شده است. گفته شده که در سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی، بسیاری از قوانین شهرهای اُمباردی ایتالیا، برای بیگانگانی که علیه شهر یا شهروندان آنها اعمال خصمانه انجام می‌دادند، کیفر مقرر کرده، آن را به‌عنوان حق طبیعی دفاع مشروع توجیه می‌کردند. از دیدگاه حقوق‌دانان آلمانی قرن نوزدهم، ملاک صلاحیت محاکم کیفری، حمایت از منافع دولت، شامل سازمان‌ها، اموال و اشخاص بود و منظور از اشخاص مشمول صلاحیت واقعی یا حمایتی، اتباعی بودند که در سرزمینی بیگانه جرمی علیه آنها واقع می‌شد.^۵ اعمال صلاحیت نسبت به جرایم علیه شهروندان فرانسوی در خارج، در قرن‌های شانزدهم و هفدهم میلادی در رویه قضایی فرانسه نشانه‌هایی دارد، اما تلاش آن دولت در قانونی کردن آن، به‌عنوان دخالت در حاکمیت دولت بیگانه مورد اعتراض دولت انگلستان واقع شده و بی‌نتیجه مانده است.^۶

مورد تاریخی دیگر از مخالفت عملی با این اصل، پرونده یک شهروند/امریکایی به نام کاتینگ^۷ در سال ۱۸۸۶ است. وی به اتهام انتشار مطالبی افتراءآمیز در امریکا علیه یک شهروند مکزیکی، پس از ورود به مکزیکی محاکمه و به یک سال کار اجباری و ۶۰۰ دلار جریمه محکوم شد، ولی با اعتراض دولت امریکا به اعمال اصل صلاحیت شخصی منفی از سوی دولت مکزیکی، «کاملاً غیرقابل قبول»^۸ خوانده شد و با فشارهای امریکا و چشم‌پوشی مقامات مکزیکی از پیگیری موضوع، نزاع دو کشور بدون هرگونه تصمیم راجع به اعتبار آن اصل، خاتمه یافت.^۹

در پرونده معروف لوتوس^{۱۰} (۱۹۲۷) که تصادم دو کشتی فرانسوی و ترک در دریاهای آزاد، به کشته شدن هشت تن از اتباع ترکیه و طرح اتهام قتل غیرعمد علیه ناخدای کشتی فرانسوی در محاکم ترکیه به استناد تابعیت ترک قربانیان منجر شد. فرانسه به ادعای صلاحیت ترکیه اعتراض کرد و اختلاف به دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی ارجاع شد.

۵. حسینقلی حسینی‌نژاد، حقوق کیفری بین‌المللی، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۷۳)، صص ۵۷-۶۴.

۶. همان، ص ۶۵.

7. Cutting Case (1886)

8. Wholly Inadmissible

9. Eric Cafritz, *pp.cit*, p. 593.

10. Lotus

قضات دیوان علی‌رغم اعتقاد به عدم پذیرش این نوع صلاحیت در حقوق بین‌الملل عرفی و با توجه به صلاحیت سرزمینی^{۱۱} ترکیه، از اظهار نظر نسبت به صلاحیت ناشی از تابعیت ترک قربانیان طفره رفتند^{۱۲}. البته برخی نویسندگان از عدم مخالفت قضات دیوان با اصل صلاحیت شخصی منفی مطرح‌شده از سوی ترکیه و تصریح آن دیوان به اختیار هر دولت حاکم در تعریف دامنه صلاحیت خویش، چنین استنباط کردند که دیوان صلاحیت شخصی را در هر دو وجه آن پذیرفته است^{۱۳}.

مخالفت شدید فرانسه با اعمال اصل یادشده دهه‌ها ادامه داشت و برای مثال، آن کشور در سال ۱۹۷۴ تقاضای استرداد ابوداود، متهم فلسطینی کشتار ورزشکاران اسرائیل در بازی‌های المپیک مونبخ ۱۹۷۲، از سوی دولت اسرائیل را که مبتنی بر صلاحیت شخصی منفی بود، رد کرد و تنها بعد از حادثه گروگان‌گیری اتباع فرانسه در سال ۱۹۷۴ در لاهه به‌وسیله تروریست‌ها، به آن صورت قانونی بخشید^{۱۴}.

ایالات متحده آمریکا تا دهه ۱۹۷۰ مخالف چنین صلاحیتی بود، ولی از آن پس به معاهدات چندجانبه بین‌المللی راجع به تروریسم ملحق شد که دولت‌های عضو را به استرداد یا تعقیب^{۱۵} مرتکبان جرایم خشونت‌آمیز تروریستی ملزم می‌کرد. «دولت آمریکا نسبت به پذیرش این اصل تردیدهایی داشته است تا مبدا کشورهای خارجی این اصل را مبنای صدور احکامی علیه آمریکاییان قرار دهند»^{۱۶}. با این حال، پیش‌نویس سوم تفسیری قانون روابط خارجی آمریکا اصل صلاحیت شخصی منفی را در مورد تروریست‌ها و دیگر حملات سازمان‌یافته نسبت به اتباع دولت به دلیل تابعیت آنها، یا قتل سفرای کشور یا کارکنان

۱۱. بر اساس نظریه قلمرو شناور (floating territory)، جرایم واقع‌شده در کشتی به‌منزله جرایم واقع در سرزمین کشوری است که کشتی در آنجا به ثبت رسیده است.

12. France v. Turkey, 1927 PCIJ. (Ser.A) No. 10 at: 19. See: also: David J. Harris, *Cases and Materials on International Law*, (London, 6th ed, 2005), p. 281.

13. Schabas William A., *Genocide in International Law*, (New York: Cambridge University Press, 2nd ed, 2009), pp. 409-410.

14. Cafritz, Eric, *op. cit*, p. 594.

15. Extradite or Prosecute/Aut Dedere Aut Judicare

۱۶. حسین میرمحمدصادقی، *دادگاه کیفری بین‌المللی*، (تهران: دادگستر: ج ۱، ۱۳۸۳)، ص ۷۲.

دولت، به‌طور فزاینده‌ای پذیرفته است^{۱۷} در مورد استناد ایالات متحده آمریکا به اصل صلاحیت ناشی از تابعیت بزه‌دیده، مواردی مانند محاکمه یونس، تبعه لبنانی متهم به ربایش هواپیمای اردنی از بیروت، به استناد تابعیت آمریکایی دو نفر از گروگان‌ها (۱۹۸۸)^{۱۸}؛ تقاضای استرداد ابوعباس، عضو سازمان آزادیبخش فلسطین، به اتهام ربایش کشتی ایتالیایی آشیله لارو در آب‌های مصر و کشتن شهروند آمریکایی به نام لئون کلینگهوفر^{۱۹} (۱۹۸۵)^{۲۰}؛ و نیز تقاضای استرداد متهمان لیبیایی سرنگونی هواپیمای پان امریکن در لاکربی اسکاتلند که تعدادی از مسافران کشته‌شده آن آمریکایی بودند^{۲۱}، قابل ذکر هستند.

همچنین، یکی از مبانی صلاحیتی ادعایی اسرائیل در محاکمه آدولف آیشمن در سال ۱۹۶۱، علاوه بر اصل صلاحیت جهانی، یهودی بودن قربانیان «راه‌حل نهایی مسئله یهود»^{۲۲} بود. آیشمن علاوه بر ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، به «جنایات علیه ملت یهود»^{۲۳} هم متهم گردید که فقره اخیر مصداق ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات نسل‌زدایی (۱۹۴۸) تلقی می‌شود^{۲۴}. در واقع، دولت اشغالگر تازه‌تأسیس، خود را دولت متبوع یهودیانی تلقی می‌کرد که در جنگ جهانی دوم، یعنی قبل از تأسیس آن دولت، مورد جنایت واقع شده بودند. از این رو، «ادعاهای آن کشور در رابطه با قربانیان مذکور، بر این اساس که در زمان جرایم آیشمن آنها اتباع اسرائیل نبودند، به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته است»^{۲۵}.

17. *Ibid*, p 595.

18. *United States v. Yunis*, 681 F. Supp. 896, 1988 U.S. Dist. LEXIS 1857 (D.D.C. Feb. 12, 1988).

19. Leon Klinghoffer

20. Achille Lauro hijacking, Hijacking, Mediterranean Sea (1985), in: *Encyclopedia Britannica*.

۲۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. علیرضا کاظمی، «بررسی ابعاد حقوقی دادگاه لاکربی»، سیاست خارجی، ش ۴ (۱۳۷۹)، صص ۱۰۶۹-

۱۰۹۲ و حسین میرمحمدصادقی، «نگاهی به پرونده لاکربی از منظر حقوق جزای بین‌الملل»، دیدگاه‌های حقوقی، ش ۲۷ (۱۳۸۱)،

صص ۸۵-۹۴ و رضا فیوضی، حقوق بین‌المللی کیفری، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران: چ ۱)، ۱۳۸۶، صص ۲۸۶-۲۹۱ و نیز:

Plachta, Michael, *The Lockerbie Case: The Role of Security Council in Enforcing the Principle Aut Dedere Aut Judicare*.

22. *The final Solution of the Jewish Problem*

23. *Crimes Against the Jewish People*

24. Schabas William A., *op.cit*, pp. 426-429.

همچنین، نک: حسین میرمحمدصادقی و فاطمه یآوری، *این ده تن*، (تهران: دادگستر، چ ۱)، ۱۳۹۸، صص ۳۸۳-۴۰۵.

۲۵. کرایبر و همکاران، *درآمدی بر حقوق و آیین دادرسی بین‌المللی کیفری*، ترجمه حسین فخر و داود کوهی، ج ۱، (تهران: مجد، چ

۱، ۱۳۹۳)، ص ۹۸.

«یکی از موارد معدودی که صلاحیت شخصی منفعل به طور سنتی پذیرفته شده، مربوط به جنایات جنگی است. بنابراین، دولت‌ها حق تعقیب جنایات جنگی علیه اتباع خود را دارند. یکی از مثال‌های متعدد در این زمینه به محاکمه و آشپو آووچی مربوط است که در آن یک تبعه ژاپنی توسط محکمه نظامی هلند به خاطر اجبار زنان هلندی به فحشاء در کلویی در باتاوایا مورد تعقیب قرار گرفت»^{۲۶}. این مبنای صلاحیتی در مورد جنایات جنگی، اغلب بعد از پایان مخاصمات برای محاکمه متهمان دولت مغلوب از سوی دولت پیروز مورد استناد واقع شده است. اخیراً دادگاه‌ها در خصوص جرایم علیه بشریت و شکنجه به این مبنای صلاحیتی استناد کرده‌اند. به علاوه این مبنای صلاحیتی در قوانین داخلی مربوط به تروریسم در بسیاری از کشورها نظیر ایالات متحده آمریکا، فرانسه و بلژیک مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در تعدادی از کنوانسیون‌های علیه تروریسم و نیز کنوانسیون ۱۹۸۴ بر منع شکنجه بر اساس این ضابطه تصریح شده است^{۲۷}.

۲.۱. مبانی نظری

با توجه به آنچه گفته شد، اصل صلاحیت شخصی منفی را نمی‌توان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی تلقی کرد، ولی با توجه به استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده لوتوس و پذیرش آن در بعضی اسناد بین‌المللی و اعمال آن نسبت به جنایات بین‌المللی و ورود آن به قوانین و رویه قضایی بسیاری از دولت‌های جهان، می‌توان آن را مبنای قانونی برای اعمال صلاحیت فراسرزمینی قلمداد کرد^{۲۸}. با این همه، این اصل را افراطی‌ترین اصل صلاحیت فراسرزمینی معرفی کرده‌اند که باید به شدیدترین اعمال مجرمانه مثل تروریسم و دیگر جرایم خشونت‌آمیز با رعایت تضمین‌های دادرسی و شروط تناسب و مجرمیت دوگانه،

۲۶. کرایر، پیشین، ص ۹۷.

۲۷. آنتونیو کسسه، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران و همکاران، (تهران: جنگل، چ ۱، ۱۳۸۷)، ص ۳۵۷. البته وی معتقد است که اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه برای جنایات بین‌المللی مناسب نیست. زیرا جنایات بین‌المللی تمام بشریت را هدف قرار می‌دهند و تعقیب آنها نباید بر رابطه ملی بین مجنی علیه و دولت تعقیب‌کننده که معیاری محدود و ملی‌گرایانه است، استوار باشد (همان، ص ۳۵۸).

28. Echle, Regula, "The Passive Personality Principle and the General Principle of *Ne Bis In Idem*", *Utrecht Law Review*, Vol. 9, Issue 4 (Sep 2013), p. 61.

محدود گردد^{۳۹}. عدم پذیرش یا محدودیت اعمال این اصل در قوانین برخی از کشورها یا اختیاری بودن اعمال آن در برخی معاهدات بین‌المللی مثل فرع سوم بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) در همین راستا است. از این رو، برای آشنایی با مبانی نظری این بحث، شایسته است که دیدگاه‌های مخالفان و موافقان به‌طور جداگانه و مختصر بررسی شود.

۱.۲.۱. دیدگاه مخالفان

مخالفت‌ها با اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده به‌طور کلی در سه محور سیاسی، حقوقی و عینی قابل مطالعه است. نخست، گفته‌اند که اصل بنیادین در صلاحیت کیفری، صلاحیت دولت سرزمینی است که جرم در قلمرو آن واقع می‌شود و نظم عمومی آن دولت را مخدوش می‌کند. دولت‌های دیگر باید به صلاحیت دولت سرزمینی احترام گذارده، از دخالت در اموری که به آن دولت مربوط می‌شود خودداری ورزند. این رویکرد از نظر سیاسی به حفظ و تحکیم روابط حسنه بین دولت‌ها کمک می‌کند. از نظر حقوقی، اعمال صلاحیت دولت متبوع بزه‌دیده احتمالاً با حقوق دادرسی عادلانه سازگار نیست، زیرا در این فرض متهم در برابر قانونی قرار می‌گیرد که در زمان ارتکاب جرم از آن اطلاع نداشته است^{۴۰}؛ چراکه رفتار موضوع اتهام ممکن است در کشور محل وقوع جرم یا کشور متبوع متهم جرم نباشد یا در مقایسه با کشور متبوع بزه‌دیده، حامل کیفر کمتری باشد.

افزون بر این، متهم در برابر دادرسی قرار می‌گیرد که با او بیگانه است و با طرف مقابل وی هموطن است و هرآینه ممکن است رفتاری ناعادلانه از خود بروز دهد. سرانجام، مخالفان به موانع عملی صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده می‌رسند که مهم‌تر از همه آنها عدم دسترسی دولت متبوع وی به مرتکب است. عدم دسترسی به ادله و شواهد جرم برای تشکیل و تکمیل پرونده در این دولت را نیز نباید از نظر دور داشت؛ به‌ویژه اگر دولت سرزمینی یا دولت متبوع متهم از همکاری با آن دولت کوتاهی کند، هیچ امیدی به عملی شدن صلاحیت دولت متبوع قربانی نمی‌توان بست. در این میان، پذیرش این نوع صلاحیت

29. Cafritz, Eric, *op. cit.*, pp. 598-599.

۳۰. کرایر، پیشین، ص ۹۷.

می‌تواند به نفع دولت‌های مقتداری باشد که به واسطه برخورداری از عناصر اقتدار بین‌المللی می‌توانند از اتباع خود در خارج حمایت واقعی به‌عمل آورند؛ درحالی که بقیه دولت‌ها و اتباع آن‌ها از چنین موقعیتی بی‌بهره می‌مانند.^{۳۱}

۲.۲.۱. دیدگاه موافقان

ایرادات مخالفان اصل صلاحیت دولت متبوع بزه‌دیده قابل اعتنا به‌نظر می‌رسد، اما در مورد سایر اصول، صلاحیت فراسرزمینی نیز صدق می‌کند. اگر ظن دخالت در حاکمیت دولت‌های دیگر و احتمال عدم رعایت دادرسی عادلانه و یا مشکل دسترسی به متهم یا ادله جدی گرفته شود، سایر اصول صلاحیت فراسرزمینی نیز باید کنار گذاشته شود، ولی مخالفان نمی‌توانند به چنین نتیجه‌ای ملتزم گردند.

موافقان با رد ایرادها، دلایلی به نفع این نوع صلاحیت مطرح می‌کنند. دولت سرزمینی ممکن است در قبال بزه‌دیدگی یک بیگانه احساس مسئولیت نکند و نخواهد از اقتدار و امکانات خود برای احقاق حق وی در محاکمه مرتکب استفاده کند و در نتیجه جرم ارتكابی بدون کیفر بماند. این بی‌کیفری که حقوق کیفری بین‌المللی در صدد مبارزه با آن است، هم با اجرای عدالت منافات دارد و هم ممکن است اتباع دولت در خارج را در معرض بزه‌دیدگی‌های بعدی قرار دهد. در چنین شرایطی اعمال صلاحیت دولت متبوع قربانی، هم اقتضای عدالت است و هم دارای اثر بازدارندگی.

علاوه بر این، رابطه تابعیت علاقه‌ای دوطرفه بین تابع و متبوع ایجاد می‌کند که در نتیجه آن همچنان که یک دولت حق دارد به جرایم ارتكابی اتباع خود در خارج رسیدگی کند، مکلف است جرایم ارتكابی علیه اتباع خود در خارج را نیز تحت پیگرد قرار دهد. برخورداری از حمایت قضایی دولت متبوع خود، حق و انتظار طبیعی شهروندان است و دولت با حمایت کیفری از آنها نه تنها مقبولیت ملی خود را افزایش می‌دهد، بلکه اقتدار بین‌المللی خویش را نیز به‌نمایش می‌گذارد. از سوی دیگر، مشکلات عملی این نوع صلاحیت را می‌توان با ارتقای همکاری‌های پلیسی و قضایی بین‌المللی مثل استرداد متهمان، نیابت

قضایی یا مشروط کردن آن به شرایطی مثل مجرمیت متقابل و منع محاکمه دوباره کاهش داد.^{۳۲}

از این منظر، حمایت از شهروند بزه‌دیده در قلمرو دولت بیگانه، به منافع ملی دولت متبوع وی پیوند می‌خورد و گفته می‌شود دولت با اعمال صلاحیت به جرایم ارتكابی علیه اتباعش در خارج، درحقیقت از منافع ملی خودش دفاع می‌کند. نفس پذیرش این نوع صلاحیت در قوانین بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که آن را دخالت در حاکمیت دولت سرزمینی تلقی نکرده، ردّ ایرادات مخالفان و استدلال‌ها و توجیهات قابل اعتنای موافقان، پذیرش این اصل در اسناد بین‌المللی و نظام داخلی کشورها را موجه جلوه داده، حکایت از عدم مغایرت آن با اصول پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل دارد.

۲. چالش‌های تقنینی

برخلاف سایر اصول صلاحیت، این اصل تا سال ۱۳۹۲ در قوانین مجازات ایران سابقه‌ای ندارد. در مجموع، پذیرش این اصل در ایران به صورت موردی و تدریجی از قوانین خاص آغاز و به گسترش مشروط در قانون یادشده منتهی شده است. این فرایند دومرحله‌ای، از ورود محدود و موردی تا گسترش مشروط، پرسش شمول / عدم شمول شروط مقرر در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسبت به قوانین خاص را مطرح می‌کند. در ادامه، چالش‌های تقنینی اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده با توجه به قوانین برخی کشورها که این اصل را اعمال می‌کنند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۲. ایرادات مبتنی بر گستره جرم ارتكابی

در میان قوانین کیفری ایران، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نخستین قانونی است که اصل صلاحیت ناشی از تابعیت بزه‌دیده را مورد شناسایی قرار داده است. این قانون از یک سو، اصل یادشده را که قبلاً به موجب قوانین خاص^{۳۳} به جرایمی مثل گروگان‌گیری،

۳۲. جواد طهماسبی، «اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده در قوانین ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۹۷ (۱۳۹۶)، ص ۱۲۲.

۳۳. برخی قوانین پیش از ق.م.ا ۱۳۹۲ اصل صلاحیت ناشی از تابعیت بزه‌دیده را به طور صریح یا ضمنی شناسایی کرده‌اند.

اعمال تروریستی یا جرایم واقع شده در کشتی و هواپیما اختصاص داشت با استفاده از مطلق واژه جرم به همه جرایم گسترش داد و از سوی دیگر، اعمال آن از سوی دادگاه‌های ایران را به احراز شرایطی مشروط کرد. در قوانین خاص، این صلاحیت ملحق به جرم خاصی است.

برخی از این قوانین متضمن الحاق ایران به معاهده‌ای بین‌المللی یا انعقاد موافقت‌نامه‌ای دوجانبه هستند و برخی دیگر از تشدید مقطعی تنش‌ها و تهدایات سیاسی در روابط ایران و برخی دولت‌ها ناشی شده‌اند. برای مثال:

الف) نخستین بار با تصویب ماده ۳۱ قانون هواپیمایی کشوری (۱۳۲۸) این اصل وارد نظام کیفری ایران شد. بر اساس بند «ب» ماده یادشده، دادگاه‌های ایران نسبت به «جنحه‌ها و جنایات ارتكابی در داخل هواپیمای خارجی در حین پرواز علیه اتباع ایران»، صلاحیت رسیدگی دارند.

ب) طبق ماده ۴ قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما (۱۳۵۵)، هرگاه جرمی علیه یکی از اتباع (یا مقیمین دائمی) دولتی غیر از دولت ثبت‌کننده هواپیما در داخل هواپیمای در حال پرواز ارتكاب یابد، آن دولت می‌تواند در امر پرواز مداخله نماید. البته این ماده به اصل صلاحیت ناشی از تابعیت بزه‌دیده ارتباط صریح ندارد، اما تجویز مداخله دولت متبوع (یا محل اقامت دائمی) مجنی علیه از این ملاحظه ناشی می‌شود که آن دولت بتواند علاوه بر دیگر اقدامات پیشگیرانه یا ترمیمی، به جرایم علیه اتباع (یا اقامت‌کنندگان دائمی) خود رسیدگی قضایی کند.

ج) ماده ۵ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری (۱۳۸۵)، به دولت متبوع شخص گروگان اجازه می‌دهد که در صورت صلاحدید، تدابیر لازم را برای احراز صلاحیت خود نسبت به جرم گروگان‌گیری اتخاذ کند.

د) قوانین موافقت‌نامه کشتی‌رانی تجاری دریایی ایران و بلغارستان (۱۳۷۲)، ایران و اوکراین (۱۳۷۴)، ایران و پاکستان (۱۳۷۵)، ضمن شناسایی صلاحیت کشور صاحب پرچم نسبت به جرایم واقع شده در کشتی، در بند «د» ماده ۱۳ خود حاوی استثنای مشابیهی هستند که به موجب آن، صلاحیت دولت پذیرنده کشتی نسبت به جرایم ارتكابی توسط یا علیه اتباع آن دولت، پذیرفته شده است ۳۳.

ه) بند ۲ ماده ۴ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هزه‌نگاری کودکان (۱۳۸۶) مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو می‌تواند اقداماتی را که ممکن است برای احراز صلاحیت قضایی خویش در مورد جرایم موضوع بند (۱) ماده ۳ ضروری باشد، در موارد زیر به عمل آورد: ... ب) چنانچه قربانی، تبعه آن کشور باشد».

و) به موجب تبصره ۲ ماده واحده قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت امریکا مصوب ۱۰ آبان ۱۳۶۸: «اتباع و عوامل آمریکا و کشورهای که با آمریکا در آدم‌ربایی و توطئه علیه جان اتباع ایرانی و منافع جمهوری اسلامی ایران همکاری نمایند در دادگاه‌های داخل کشور بر مبنای قضای اسلامی محاکمه خواهند شد». اطلاق این مقرر اعم از وقوع جرم موردنظر در ایران یا خارج از آن است.

ز) طبق ماده واحده قانون الزام دولت به پیگیری حقوق جانبازان و قربانیان جنگ شیمیایی علیه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۶ بهمن ۱۳۸۷ و تبصره ۴ آن: «از تاریخ تصویب این قانون دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است حقوق مصدومان و شهدای شیمیایی ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را در محاکم داخلی و خارجی پیگیری نماید. دولت و قوه قضائیه موظفند با رعایت قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی، حمایت‌های فنی، حقوقی و دیپلماتیک را از تمام اتباع و اشخاص ایرانی صدمه‌دیده از حملات و کاربرد مواد شیمیایی ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به عمل آورند». حمایت حقوقی قوه قضائیه از تمام اتباع و اشخاص صدمه‌دیده ایرانی، ضرورتاً به پیگیری غیر کیفری یا وقوع جرم در ایران مقید نشده است.

در حقیقت، ویژگی اصل صلاحیتی یادشده در قوانین پیش گفته آن است که اولاً از لحاظ نوع جرم یا محل وقوع آن (گروگان‌گیری، جرایم داخل هواپیما یا کشتی) محدود شده است؛ ثانیاً اعمال این اصل، جنبه متقابل یا دوجانبه دارد. اما در ق.م.ا ۱۳۹۲ این اصل به تمامی جرایم تعمیم یافته است. همین امر در مرحله عمل، کاربست این اصل را با مشکل مواجه می‌کند، زیرا برخی جرایم نظیر بزه‌های خفیف و بزه‌های قابل گذشت به اندازه‌ای از اهمیت برخوردار نیستند که بتوان با تسری این اصل به آنها دولت متبوع بزه‌دیده را افزون بر دولت سرزمینی، مسئول محاکمه این جرایم تلقی کرد. از این رو، می‌توان گفت رویکرد قوانین خاص از حیث مضیق کردن جرم ارتكابی به جرایم خاص یا قلمرو مکانی ارتكاب جرایم، قابلیت اجرایی بیشتری دارد.

اطلاق واژه جرم در آن ماده، کلیه رفتارهایی را که در نظام کیفری ایران به قید مجازات (یا اقدامات تأمینی و تربیتی) ممنوع شده‌اند، شامل می‌شود و نوع مجازات اعم از حد، قصاص، دیه یا تعزیر (منصوص یا غیرمنصوص) یا درجه مجازات تعزیری تأثیری در دامنه شمول آن ندارد. این گستردگی از حیث جرم ارتكابی علیه تبعه در قانون جزای افغانستان نیز مشاهده می‌شود. بر اساس ماده ۲۳ قانون جزای افغانستان، ارتكاب هرگونه جرمی فارغ از درجه آن در خارج از افغانستان در این کشور قابل محاکمه است.^{۳۴} با این حال، این گستردگی شمول در ماده ۸ و نیز ماده ۲۳ قانون افغانستان مورد انتقاد است.^{۳۵} اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده مخالفان جدی دارد و قوانین کشورهای دیگر، قلمرو آن را به جرایم مهم محدود کرده‌اند. برای مثال، در ایالات متحده آمریکا اصل صلاحیت شخصی منفی به جرایم تروریستی یا جرایم سازمان‌یافته علیه اتباع آمریکا محدود شده است. چین، ایتالیا و دانمارک نیز اعمال آن را به جرایم خاص یا جرایم دارای حداقل مجازات معین محدود کرده‌اند. ماده ۷-۱۱۳ قانون کیفری فرانسه اعمال این نوع صلاحیت را به جنایات یا جنحه‌های دارای حبس محدود کرده است.^{۳۶} بر اساس بند ۲ ماده ۱۲ قانون

۳۴. ماده ۲۳ قانون جزای افغانستان: «شخصی که در خارج قلمرو کشور، علیه تبعه یا منفعت افغانستان، مرتکب جرم شود، احکام این قانون بالایش تطبیق می‌گردد».

۳۵. حسین میرمحمدصادقی، و علی ایزدیار، «صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه با تأکید بر قانون جدید مجازات اسلامی»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، ش ۵ (۱۳۹۲)، ص ۳۲.

36. Cafritz, Eric & Tene Omer, *op.cit*, pp. 595-7.

کیفری ترکیه مصوب ۲۰۰۴: «اگر جرایم مذکور در بخش فرعی پیش‌گفته (جرایم ارتكابی بیگانه در خارج از ترکیه با حداقل مجازات یک سال حبس) با قصد ایراد آسیب یا خسارت به یک شهروند ترکیه یا یک شخصیت حقوقی ثبت‌شده طبق قوانین ترکیه و مشمول قانون خاص ارتكاب پیدا کند و مجرم در ترکیه یافت شود، در صورت شکایت زیان‌دیده و عدم محکومیت مرتکب در کشور خارجی محل ارتكاب جرم، طبق قانون ترکیه مجازات خواهد شد»^{۳۷}.

افزون بر این، اعمال صلاحیت شخصی منفی در قوانین برخی از کشورها مثل امریکا، به «معیار معقول بودن»^{۳۸} تعقیب بستگی دارد که به‌عنوان شرطی مبتنی بر نزاکت بین‌المللی، نه فقط اعمال تعقیب کیفری را به صلاحدید و اختیار مقامات صالح قضایی واگذار می‌کند، بلکه نشانگر احترام و تعهد در قبال دولت‌های دیگر است.^{۳۹} برای کاهش خطر مداخله در حاکمیت دولت‌های دیگر که یکی از عمده دلایل مخالفان صلاحیت شخصی منفی است، تضمین‌های دادرسی برای این اصل پیش‌بینی شده است. برای نمونه، هرگونه شروع به تعقیب به استناد اصل صلاحیتی موصوف در قانون جزای نروژ به نظر پادشاه بستگی دارد. در فنلاند، ایتالیا و سوئد، موافقت دولت برای این امر ضروری است.^{۴۰} طبق ماده ۸-۱۱۳ قانون جزای فرانسه، اعمال اصل صلاحیت شخصی (اعم از مثبت و منفی) برای تعقیب جرایم جنحه‌ای، به دلیل اهمیت کمتر آنها در مقایسه با جرایم جنایی، به درخواست دادرسی بستگی دارد که آن‌هم به نوبه خود مستلزم شکایت بزه‌دیده یا صاحب حق یا اعلام جرم رسمی از جانب مقامات رسمی کشور محل ارتكاب جرم است.^{۴۱} همچنین، طبق ماده ۱۲ قانون کیفری ترکیه، محاکمه فردی که در خارج از ترکیه علیه یک شهروند

- ماده ۷-۱۱۳ قانون مجازات فرانسه: «قانون جزای فرانسه، نسبت به هر جنایت یا جنحه ارتكابی مستوجب حبس، توسط یک فرانسوی یا خارجی که بزه‌دیده آن هنگام ارتكاب جرم، فرانسوی باشد، اعمال می‌گردد. (محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، مترجمان)، قانون مجازات فرانسه، (تهران: سلسیل، ج ۱، ۱۳۸۶)، ص ۲۰.

37. <http://legislationline.org/documents/action/popup/id/6872/preview>

38. standard of Reasonableness

39. Ibid, p. 598.

40. Ibid, p 598.

۴۱. ماده ۸-۱۱۳ قانون مجازات فرانسه: «در موارد مذکور در مواد ۶-۱۱۳ و ۷-۱۱۳، تعقیب کیفری جرایم جنحه‌ای، فقط با درخواست دادرسی امکان‌پذیر است. این امر نیازمند شکایت بزه‌دیده یا صاحبان حق یا اعلام جرم مقامات رسمی کشور محل وقوع جرم است».

ترکیه یا علیه کشور ترکیه مرتکب جرم شود، به درخواست وزیر دادگستری ترکیه بستگی دارد. ماده ۱۴ قانون مجازات عراق نیز تعقیب کیفری مرتکب جرم خارج از عراق را به إذن وزیر دادگستری منوط کرده بود که با اصلاحات سال ۲۰۰۳ در نظام قضایی عراق، این اختیار به رئیس دیوان عالی قضایی عراق محول شد.^{۴۲}

شرط دیگری که برای اعمال این اصل در قوانین برخی کشورها ذکر شد، لزوم شکایت شاکی خصوصی است. این شرط را در بند ۲ ماده ۱۲ قانون کیفری ترکیه و ماده ۸-۱۱۳ قانون مجازات فرانسه - به شرحی که قبلاً گذشت - می‌توان ملاحظه کرد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که با توجه به شدت یا اهمیت جرم، درخواست یک مقام عالی دولتی و شکایت شاکی خصوصی، به معنای لزوم احراز شایستگی تعقیب برای اعمال اصل صلاحیت شخصی منفی است.

با توجه به محدودیت‌های پیش‌گفته برای اعمال اصل یادشده، شمول ماده ۸ به این طیف گسترده از جرایم که از اطلاق واژه جرم ناشی می‌گردد، علاوه بر افزایش تراکم در مراجع انتظامی و قضایی و اشتغال آنها به جرایم فاقد اهمیت کافی، می‌تواند باعث گسترش تعارض در صلاحیت‌ها و تنش در روابط خارجی ایران گردد. بنابراین، بهتر است جرایم کم‌اهمیت (مثل جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸) از دامنه شمول ماده ۸ خارج شود.

۲.۲. ابهام در مفهوم «جرایم علیه ایران»

ماده ۸ از عبارت جدید «جرم علیه کشور ایران» استفاده کرده که پیش از آن در نظام کیفری ایران سابقه نداشته است. اعمال صلاحیت فرامرزی نسبت به جرایم علیه منافع و مصالح عمومی یک کشور مثل امنیت، تمامیت ارضی یا نظام اقتصادی آن، موضوع اصل صلاحیت واقعی یا حمایتی است. جرایم یادشده در بند «الف» ماده ۵ قانون مجازات اسلامی، یعنی «اقدام علیه نظام، امنیت داخلی و خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران» را که مشمول صلاحیت واقعی هستند، می‌توان اهم «جرایم علیه کشور ایران» تلقی کرد. اما آمدن عبارت «به جز جرایم مذکور در مواد قبل» در ادامه

۴۲. نبیل عبدالرحمن حیواوی، قانون المقوبات، (بغداد: المکتبه القانونیه)، ص ۱۰.

جمله‌واره «جرایم علیه کشور ایران» در ماده ۸، نشان می‌دهد که قانون‌گذار در این ماده به جرایمی علاوه بر جرایم یادشده در ماده ۵ نظر داشته است. به عبارت دیگر، «جرایم علیه کشور ایران» در ماده ۸، ادامه جرایم بند «الف» ماده ۵ است و بهتر بود در ماده ۵ پیش‌بینی می‌شد و شاید علت ذکر جرایم علیه ایران در ماده ۸ آن باشد که تعقیب آن دسته از جرایم علیه کشور که در رتبه‌ای خفیف‌تر از جرایم علیه امنیت و تمامیت ارضی و استقلال کشور قرار دارند، تابع شروط محدودکننده صلاحیت شخصی منفی شوند.

به نظر یکی از نویسندگان، اعمال اصل صلاحیت واقعی در خصوص این جرایم، به شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعَل مقید شده است.^{۴۳} قوانین برخی از کشورها، مانند قانون ایران، علاوه بر تصریح به جرایم مشمول صلاحیت واقعی، سایر جرایم زیان‌بار به منافع ملی را به اصل صلاحیت شخصی منفی افزوده‌اند. برای نمونه، ماده ۲۳ قانون جزای افغانستان که پیش‌تر بیان شد، ارتکاب جرمی علیه منفعت کشور افغانستان را قابل محاکمه در دادگاه‌های این کشور می‌داند. همچنین، بند ۱ ماده ۱۲ قانون کیفری ترکیه مقرر می‌دارد: «هرگاه یک بیگانه در کشور بیگانه، مرتکب جرمی علاوه بر جرایم مذکور در ماده ۱۳ شود که برای کشور ترکیه زیان‌بار و مجازات آن حداقل یک سال حبس باشد و مجرم در ترکیه یافت شود، مطابق قوانین ترکیه مجازات خواهد شد. اما محاکمه او منوط به درخواست وزیر دادگستری است».

جرم علیه کشور، جرمی است که علیه مؤلفه‌های سازنده کشور یا جایگاه بین‌المللی آن یا عناصر معرف آن، مانند پرچم، سرود ملی، نقشه جغرافیایی و نمایندگی‌های رسمی یک کشور در خارج ممکن است ارتکاب پیدا کند. بنابراین آتش زدن پرچم یک کشور، تحریف و تخفیف سرود ملی، پاره کردن نقشه جغرافیایی آن به قصد بی‌احترامی و توهین یا حمله به سفارت یک کشور در خارج می‌تواند مصداق جرم علیه کشور تلقی شود. با این همه، جرم علیه کشور مفهومی گسترده و کلی دارد و تعریف و تشخیص مصادیق آن می‌تواند باعث

۴۳. حجتی، سید مهدی، «مروری بر تحولات قلمرو قوانین کیفری در مکان در حقوق ایران با تأکید بر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، در: حقوق کیفری و جرم‌شناسی، به کوشش منصور رحمدل و تهمورث بشیریه، (تهران: گام حق، ج ۱، ۱۳۹۵)، ص ۲۷۹.

تفسیرهای متفاوت و تشتت آرا گردد. قانون‌گذار مصادیق جرم علیه کشور را جرم‌انگاری و کیفرگذاری نکرده، مثل آن است که مقنن عناوینی کلی همچون جرایم علیه اشخاص یا اموال را جرم‌انگاری کند، ولی اساساً مصادیق مجرمانه و مجازات آنها را تعیین نکند.

۳.۲. ایرادات مربوط به شروط مصرّح در ماده ۸ ق.م.

رسیدگی کیفری به موجب ماده ۸، مستلزم حضور مرتکبِ بیگانه در ایران است. در مورد جرایم تعزیری، علاوه بر شرط یادشده، شروط مجرمیتِ دوگانه و منع محاکمه دوباره نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۱.۳.۲. شرط حضوری بودن محاکمه

ماده ۸ محاکمه را به «یافت شدن مرتکب در ایران و یا اعاده او به ایران» مشروط کرده است که بر لزوم حضوری بودن محاکمه دلالت دارد، زیرا برای صرف حضور مرتکب در ایران بدون حضور در محاکمه، فایده‌ای مترتب نیست و تأکید قانون‌گذار بر عبارت یادشده لغو می‌نماید. تفسیر این عبارت به ضرورت حضوری بودن محاکمه، کاهش قلمرو قابلیت اعمال و افزایش کارایی این نوع صلاحیت، از شدت مخالفت‌ها با آن می‌کاهد. طبق فراز آخر ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری، مرجع صالح رسیدگی به جرایم یادشده در ماده ۸، دادگاه تهران است. البته، شرط حضور مرتکب در ایران، در موارد زیادی، مانع از محاکمه کسی می‌شود که علیه ایران یا ایرانی در خارج از ایران مرتکب جرمی شده است. برای رفع این مانع می‌توان با «انتقال یا احاله دادرسی در امور کیفری»^{۴۴} به دولت محل حضور مرتکب، راه را برای اجرای عدالت و حمایت از ایران یا ایرانی بزه‌دیده هموار کرد. این امر نیازمند آن است که رفتار ارتكابی در کشور محل حضور مرتکب نیز جرم تلقی شده باشد.^{۴۵} شرط حضور مرتکب در کشور متبوع قربانی، در قوانین برخی کشورهای دیگر مثل بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۲ قانون کیفری ترکیه - که پیش‌تر گفته شد - پیش‌بینی شده است.

44. Transfer of Criminal Trials

۴۵. علیرضا دلخوش، مقابله با جرایم بین‌المللی (تعهد دولتها به همکاری)، (تهران: شهردانش، چ ۱، ۱۳۹۰)، صص ۲۲۰-۲۲۲.

۲.۳.۲. شرط مجرمیت دوگانه

بند «ب» ماده ۸ تصریح می‌کند که «رفتار ارتكابی در جرایم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد». این عبارت به شرط مجرمیت دوگانه یا مضاعف^{۴۶} اشاره دارد که به موجب آن، محاکمه بیگانه‌ای که در خارج علیه ایران یا ایرانی مرتکب جرمی (تعزیری) شده است، به مجرمانه بودن رفتار وی هم طبق قانون ایران و هم طبق قانون محل وقوع، بستگی دارد و جرم بودن آن رفتار طبق قانون ایران به تنهایی کافی نیست. این شرط نه فقط احترام به قوانین و حاکمیت دولت‌های دیگر است، بلکه با شرط معامله متقابل در امور کیفری نیز رابطه‌ای تنگاتنگ دارد و فراتر از آنها از آثار اصل قانونی بودن حقوق جزا به‌شمار می‌رود؛ چراکه محاکمه متهم به جرم بودن رفتار وی در کشور محل ارتكاب به هنگام ارتكاب بستگی دارد و بی‌توجهی به این مهم، نقض اصل قانونی بودن و نیز غیرعادلانه شدن دادرسی را در پی خواهد داشت. البته لازم نیست که رفتار ارتكابی در قانون دو کشور به نحو واحدی توصیف شود، بلکه کافی است که وقایع مربوطه در هر دو نظام حقوقی، جرم تلقی گردد^{۴۷}. اگر رفتار ارتكابی در هر دو نظام حقوقی جرم‌انگاری شده باشد، وحدت عنوان مجرمانه یا شدت و ضعف مجازات قانونی در این یا آن دولت، اهمیتی ندارد. طبق قاعده اختصاص^{۴۸}، اگر متهم در قالب موافقت‌نامه‌های استرداد به ایران بازگردانده شود، محاکم ایران فقط در خصوص اتهامی که در تقاضانامه استرداد قید شده و به استرداد وی منجر شده است، حق رسیدگی دارند؛ زیرا در غیر این صورت، اصل مجرمیت مضاعف و شرایط دیگر استرداد از قبیل استثنای جرم سیاسی به‌آسانی ممکن است نادیده گرفته شود^{۴۹}.

قانون‌گذار ایران محدودیت ناشی از شرط مجرمیت مضاعف را فقط در جرایم تعزیری پذیرفته است؛ یعنی اگر رفتار مجرمانه ارتكابی شخص بیگانه در خارج علیه ایران یا ایرانی

46. Double Criminality

۴۷. کرایر و همکاران، پیشین، ص ۱۵۷.

48. Principle of Speciality

۴۹. کرایر و همکاران، ص ۱۵۸.



طبق قوانین ایران واجد عنوان مجرمانه و مستوجب حد^{۵۰}، قصاص یا دیه باشد، احراز شرط مجرمیت مضاعف لازم نیست و حتی اگر آن رفتار در کشور محل ارتکاب دارای وصف کیفری نباشد، در ایران قابل رسیدگی خواهد بود. افزون بر جرایم مستوجب حد، قصاص و دیه، آنچه در لسان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به اصطلاح «تعزیرات منصوص شرعی»^{۵۱} نامیده شده است نیز به موجب تبصره ۲ ماده ۱۱۵ آن قانون از قلمرو شمول بندهای «الف» و «ب» ماده ۸ خارج است. یعنی هرگاه جرم ارتكابی بیگانه در خارج علیه ایران یا ایرانی دارای عنوان تعزیر منصوص شرعی باشد، جرم بودن آن در قانون ایران برای محاکمه وی در ایران کافی است. این تبصره برای رفع ایراد شورای نگهبان به شمول اطلاق بندهای ۱ و ۲ ماده ۸ نسبت به تعزیرات منصوص شرعی تصویب شده است^{۵۲}. از دیدگاه آن شورا، چون قوانین کشورهای دیگر، حتی کشورهای اسلامی، از لحاظ عدم مغایرت با شرع در قرائت شیعی آن در مرجع صالحی چون آن شورا ممیزی نمی‌شوند، بنابراین نمی‌توان بر عدم مغایرت شرعی آنها صحه گذاشت. این ایراد، شامل احکام قضایی کشورهای دیگر حتی کشورهای اسلامی می‌شود، زیرا قضات آنها از لحاظ برخورداری از شرایط قاضی مسلمان، مورد گزینش قرار نمی‌گیرند. به عبارت روشن‌تر، شورای نگهبان برای قوانین و احکام قضایی بیگانه، اعتباری قائل نیست^{۵۳}؛ در نتیجه، در خصوص جرایم و مجازات‌هایی که جنبه شرعی (و نه عرفی) دارند (حدود، قصاص، دیات، تعزیرات منصوص شرعی)، فقط قوانین

۵۰. فارغ از اختلاف نظرهای فقهی درباره امکان یا امتناع اجرای حد در زمان غیبت (سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (۴) بخش جزایی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۹)، صص ۲۸۵-۲۹۸، قابل اجرا نبودن حد در فرض وقوع جرم در خارج از دارالاسلام (محمدحسن مالدار و عبدالرضا جوان جمفری بجنوردی، «بازخوانی و تعمیم ادله منع اجرای حدود در سرزمین دشمن در جهان معاصر»، جستارهای فقهی و اصولی، ش ۲۰ (۱۳۹۹) را که در این مختصر از مجال بحث خارج است، نباید از نظر دور داشت.

۵۱. «تعزیرات منصوص شرعی» عنوان مبهمی است که نظرهای مشورتی متعدد اداره حقوقی قوه قضائیه نیز نتوانسته است از آن ابهام‌زدایی کند (برای مثال، نک: نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۹۷۱ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۸).

۵۲. فهیم مصطفی‌زاده، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، تهران: چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۲۱ و محمدجواد شریعت باقری، «تصویب موافقتنامه‌های همکاریهای قضایی بین‌المللی: مشکلات و راه‌حل‌ها» دیدگاه‌های حقوقی قضایی، ش ۶۶ (۱۳۹۳)، ص ۴۹.

۵۳. به این دلیل شورای نگهبان، اغلب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی یا دوجانبه مصوب مجلس را که مستلزم پذیرش اعتبار قوانین و احکام بیگانه بوده، بارها مغایر شرع اعلام کرده است. ر.ک. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۵، (تهران: دادگستر، ج ۱، ۱۳۸۲)، صص ۴۱۹-۴۳۰ و ۴۹۵-۴۹۹ و ۴۶۸-۴۶۹.

ایران ملاک عمل خواهد بود و عدم جرم‌انگاری آنها در قانون کشور محل وقوع، مانع از رسیدگی قضایی در ایران نخواهد بود.

این دیدگاه جزمی و دگرسبیز، سال‌های طولانی شامل تعزیرات غیرمنصوص نیز می‌شد، اما ضرورت گسترش روابط حقوقی و قضایی با سایر دولت‌ها در دو دهه اخیر آن شورا را بر آن داشت که حداقل در مورد جرایم و مجازات‌های دارای جنبه عرفی (تعزیرات غیرمنصوص)، با برخی قواعد عرفی مثل قاعده مجرمیت مضاعف مخالفت نکند. برخی از نویسندگان این تنگ‌نظری را تلویحاً به عارضه بیگانه‌هراسی^{۵۴} و اعتماد بیش از اندازه به میراث حقوقی خود از سویی و افراط در مذمت تأثیرپذیری از بیگانگان از سوی دیگر، نسبت داده‌اند.^{۵۵} به نظر می‌رسد، پذیرش این گونه قواعد حقوقی شناخته‌شده بین‌المللی که ریشه در خرد حقوقی و وجدان عدالت‌طلب حقوق‌دانان جهان دارد، نسبت به سایر جرایم و مجازات‌ها، به‌خصوص آنجا که با قوانین کیفری یا احکام قضایی دولت‌های اسلامی روبه‌رو هستیم، چندان دشوار نیست و در این صورت است که دوگانگی‌ها در نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی را می‌توان به حداقل ممکن رساند.^{۵۶}

۳.۳.۲. عدم سابقه رسیدگی

عدم سابقه رسیدگی یا اجرای مجازات در تعزیرات غیرمنصوص از دیگر شروط این ماده است. پذیرش منع محاکمه دوباره در بند «الف» ماده ۸ با دو محدودیت روبه‌رو است. نخست آنکه، بند «الف» ماده ۸، پذیرش اعتبار احکام کیفری بیگانه در ایران را به تعزیرات غیرمنصوص محدود کرده است؛ بنابراین، چنانچه جرم ارتكابی بیگانه در خارج علیه ایران یا ایرانی از جرایم مشمول حد، قصاص، دیه و یا تعزیر منصوص شرعی^{۵۷} باشد، رسیدگی مرجع قضایی بیگانه مانع رسیدگی دوباره در ایران نیست. نادیده گرفتن منع محاکمه دوباره در این

54. Xenophobia

۵۵. جلیل امیدی، «اعتبار قانون جزایی خارجی در قلمروی حاکمیت ملی»، در: *دایره المعارف علوم جنایی*، کتاب دوم، (تهران: میزان، ج ۲، ۱۳۹۵)، ص ۶۲.

۵۶. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. معصومه شکفته گوهری، و مجتبی جانی‌پور، «قاعده مجرمیت متقابل در حقوق جزای بین‌الملل ایران»، *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ش ۱۰ (۱۳۹۶)، صص ۴۱-۵.

۵۷. تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

جرایم می‌تواند ناقض حقوق متهم و مغایر دادرسی عادلانه تلقی گردد؛ درحالی که پذیرش اعتبار حکم کیفری بیگانه و به تبع آن، عدم محاکمه و مجازات دوباره در جرایم و کیفرهای به اصطلاح شرعی، با مراجعه به منابع و ادله اسلامی قابل قبول به نظر می‌رسد.^{۵۸}

دوم آنکه، بند «الف» ماده ۸، فقط برای احکام صادره از دادگاه کشور محل وقوع جرم اعتبار قائل شده و مفهوم مخالف آن، مانع از پذیرش اعتبار احکام غیر از آن کشور است. مثلاً اگر کشور متبوع مرتکب، غیر از کشور محل وقوع جرم باشد، و مرتکب در کشور متبوع خویش محاکمه گردد، مورد از شمول بند «الف» ماده ۸ خارج بوده، نمی‌تواند مانع اعمال صلاحیت دوباره محاکم ایرانی گردد. برای جلوگیری از این مشکل می‌توان محدودیت قاعده منع محاکمه دوباره به کشور محل وقوع جرم را ناشی از ابتدای قانون بر قاعده اغلیت تلقی و از کشور محل وقوع جرم سلب خصوصیت کرد و منع محاکمه دوباره را شامل احکام کیفری صادره از سایر محاکم صالح نیز دانست. این برداشت از نقض حقوق متهم جلوگیری کرده، تفسیری به نفع او خواهد بود.^{۵۹}

این شرط در ماده ۹-۱۱۳ قانون مجازات فرانسه چنین ذکر شده است: «در موارد پیش‌بینی شده در مواد ۶-۱۱۳ و ۷-۱۱۳، هیچ‌گونه تعقیبی علیه شخصی که به‌طور موجه علیه او در کشور خارجی برای همان اعمال حکم قطعی صادر شده و در صورت محکومیت، کیفر اجرا شده یا مشمول مرور زمان شده باشد، نمی‌تواند صورت گیرد». ماده ۱۴ قانون مجازات عراق (۱۹۶۹) نیز دارای حکم مشابهی است. بند ۲ ماده ۱۲ قانون کیفری ترکیه نیز این شرط را در جرایم علیه شهروندان ترکیه یا اشخاص حقوقی ثبت‌شده در ترکیه پذیرفته، ولی این شرط در بند یک آن ماده راجع به جرایم زیان‌بار برای ترکیه ذکر نشده است.

۵۸. حسن پوربافرانی و حسن فاطمه‌بیگی، «اعمال قاعده منع محاکمه مجدد در جرایم مستوجب مجازات‌های شرعی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۱ (۱۳۹۲)، ص ۹۳. برای مطالعه بیشتر راجع به آرای فقهای معاصر و موضع رویه قضایی در مورد منع محاکمه مجدد، ر.ک. مصطفی کرمی‌پور، و عادل ساریخانی، «اعمال قاعده منع مجازات مضاعف نسبت به جرایم ارتكابی ایرانیان در خارج از کشور»، تحقیقات حقوقی معاصره، ش ۲، (فاقد بقیه مشخصات)، صص ۱۸۳-۲۱۳ و توجهی، عبدالعلی و قربانی، مهدی، «منع مجازات مضاعف، آراء، مبانی و ادله موافقان و مخالفان با مطالعه تطبیقی آرای مراجع عظام تقلید»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۲۹ (۱۳۸۸)، صص ۱۴۵-۱۹۷.

۵۹. برای مطالعه درباره دیدگاه‌های فقها و حقوق‌دانان اهل سنت درباره مجرمیت دوگانه و منع محاکمه دوباره، نک: عوده، عبدالقادر، حقوق جنایی/اسلام، ترجمه اکبر غفوری، ج ۱، (مشهد: آستان قدس رضوی، چ ۱، ۱۳۷۳) صص ۳۸۱-۴۰۲.

نتیجه

اصل صلاحیت ناشی از تابعیت قربانی جرم یکی از اصول صلاحیت فراسرزمینی است که به دلیل مخالفت‌های جدی با آن، دیرتر و محدودتر از سایر اصول صلاحیت فراسرزمینی جای خود را در حقوق کیفری بین‌المللی باز کرده است. برای احتراز از این مخالفت‌ها و امکان اجرای مؤثر، قوانین کیفری دیگر کشورها اعمال آن را به شروطی مثل اهمیت نسبی جرم، لزوم شکایت شاکی خصوصی، تجویز رسیدگی از سوی مقامات عالی‌رتبه کشوری، حضور متهم در محاکمه، الزامات دادرسی عادلانه مثل لزوم رعایت قواعد مجرمیت دوگانه و منع محاکمه دوباره، محدود کرده‌اند.

ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این نوع صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های ایران را نسبت به همه جرایم شناسایی کرده که لازمه اعمال آن، حضوری بودن محاکمه، جرم بودن رفتار ارتكابی در ایران و کشور محل ارتكاب آن و عدم سابقه رسیدگی به آن در کشور محل ارتكاب است. از این رو، ماده ۸ را می‌توان گامی مثبت در توسعه صلاحیت محاکم ایرانی و حمایت حقوقی از هموطنان بزه‌دیده در خارج تلقی کرد. با این حال، به نظر می‌رسد که آن ماده با توجه به قوانین دیگر کشورها از جهات زیر نیازمند اصلاح است:

۱- شمول ماده نسبت به «جرایم علیه کشور ایران» در کنار جرایم علیه ایرانیان، جرایم یادشده را که باید در قلمرو اصل صلاحیت واقعی قرار گیرند، مشمول محدودیت‌های اصل صلاحیت شخصی منفی کرده است. افزون بر این، مفهوم و مصادیق جرایم علیه ایران از شفافیت لازم برای اصل قانونی بودن حقوق جزا برخوردار نیست. بنابراین، بهتر است برای جلوگیری از خلط بحث، جرایم علیه ایران (و عنداللزوم شرایط محدودکننده صلاحیت دادگاه‌های ایران نسبت به آنها) به ماده ۵ انتقال یابد. همچنین، برای اجتناب از تفسیرپذیری گسترده، برای مفهوم جرایم علیه ایران تعریف قانونی ارائه شود.

۲- در بند «ب» ماده ۸، پذیرش نسبی قاعده مجرمیت دوگانه فقط برای جرایم تعزیری غیرمنصوص و عدول از آن در جرایم مستوجب حد، قصاص، دیه و تعزیرات منصوص شرعی، با اصل قانونی بودن حقوق جزا، حقوق دفاعی متهم و دادرسی عادلانه ناسازگار است.

۳- در بند «الف» ماده ۸، پذیرش نسبی قاعده منع محاکمه دوباره فقط برای جرایم تعزیری غیرمنصوص و عدول از آن در سایر جرایم آن‌هم فقط نسبت به احکام صادره از دادگاه‌های کشور محل وقوع جرم، با حقوق دفاعی متهم و دادرسی عادلانه ناسازگار است و یا با وحدت ملاک از ماده ۵، احتساب بخش اجراشده مجازات صادره از محکمه خارجی در حکم دادگاه ایرانی مرتبط با جرایم مستوجب حد، قصاص و دیه، در بند «الف» ماده ۸ مورد تصریح قرار گیرد.

۴- بند «الف» ماده ۸ نسبت به مواردی که جرم ارتكابی در دادگاه صالح خارجی در حال رسیدگی است، ساکت است. با توجه به تقدم صلاحیت دولت سرزمینی و صلاحیت دادگاهی که زودتر شروع به رسیدگی کرده، بهتر است عدم رسیدگی دادگاه‌های ایران نسبت به موارد درحال رسیدگی مورد تصریح قرار گیرد.

۵- برای کاستن از احتمال تعارض صلاحیت‌ها و تنش در روابط و مناسبات بین‌المللی و افزایش امکان اجرای اثربخش اصل صلاحیت شخصی منفی و توجه به برخی مخالفت‌های منطقی با آن، بهتر است دامنه اجرای آن اصل با افزودن آستانه‌ای از شدت جرم، ضرورت شکایت شاکی خصوصی و درخواست تعقیب از سوی یک مقام عالی دولتی، محدود گردد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- کتاب‌ها

۱. آشوری، محمد (۱۳۸۲). *آیین دادرسی کیفری*، تهران: سمت.
۲. امیدی، جلیل (۱۳۹۵). اعتبار قانون جزایی خارجی در قلمروی حاکمیت ملی، در: *دایره المعارف علوم جنایی*، تهران: میزان.
۳. حجتی، سید مهدی (۱۳۹۵). مروری بر تحولات قلمرو قوانین کیفری در مکان در حقوق ایران با تأکید بر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲). در: *دانشنامه حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، به کوشش منصور رحمدل و تهمورث بشیریه، تهران: گام حق.
۴. حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۷۳). *حقوق کیفری بین‌المللی*، تهران: میزان.
۵. خالقی، علی (۱۳۸۶). *آیین دادرسی کیفری*، تهران: شهر دانش.
۶. خالقی، علی (۱۳۸۷). *آیین دادرسی کیفری*، تهران: شهر دانش.
۷. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۰). *مقابله با جرایم بین‌المللی (تعهد دولتها به همکاری)*، تهران: شهر دانش.
۸. عبدالرحمن حیاوی، نبیل، *قانون العقوبات*، بغداد: المكتبة القانونية.
۹. عوده، عبدالقادر (۱۳۷۳). *حقوق جنایی اسلام*، ترجمه اکبر غفوری، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. فیوضی، رضا (۱۳۸۶). *حقوق بین‌المللی کیفری*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. کرایر، رابرت؛ فریمن، هاکن؛ رابینسون، داریل و ویلمزهورست، الیزابت (۱۳۹۳) جلد اول، (۱۳۹۵) جلد دوم، (۱۳۹۹) جلد سوم. *درآمدی بر حقوق و آیین دادرسی بین‌المللی کیفری*، ترجمه حسین فخر و داود کوهی، تهران: مجد.
۱۲. کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷). *حقوق کیفری بین‌المللی*، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، تهران: جنگل.

۱۳. گودرزی بروجردی، محمدرضا و مقدادی، لیلا (مترجمان) (۱۳۸۶). *قانون مجازات فرانسه*، تهران: سلسبیل.
۱۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹). *قواعد فقه (۴) بخش جزایی*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۵. مصطفی‌زاده، فهیم (۱۳۹۲). *قانون مجازات اسلامی در پرتو نظرات شورای نگهبان*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۱۶. میرمحمدصادقی، حسین و یآوری، فاطمه (۱۳۹۸). *این ده تن*، تهران: دادگستر.

– مقالات

۱۷. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۵). مبانی و تحولات اصول صلاحیت مبتنی بر رابطه تابعیت. *پژوهش‌های حقوق کیفری*، ۵ (۱۷)، ۹-۳۰.
۱۸. پوربافرانی، حسن و فاطمه‌بیگی، حسن (۱۳۹۲). اعمال قاعده منع محاکمه مجدد در جرایم مستوجب مجازات‌های شرعی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۴ (۱)، ۹۳.
۱۹. توجهی، عبدالعلی و قربانی، مهدی (۱۳۸۸). منع مجازات مضاعف، آراء، مبانی و ادله موافقان و مخالفان با مطالعه تطبیقی آرای مراجع عظام تقلید. *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۱۰ (۲۹)، ۱۴۵-۱۹۷.
۲۰. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۳). تصویب موافقتنامه‌های همکاری قضایی بین‌المللی؛ مشکلات و راه‌حلهای دیدگاه‌های حقوقی قضایی، ۱۹ (۶۶)، ۳۹-۷۴.
۲۱. شکفته گوهری، معصومه و جانی‌پور، مجتبی (۱۳۹۶). قاعده مجرمیت متقابل در حقوق جزای بین‌الملل ایران. *پژوهشهای حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۲ (۱۰)، ۵-۴۱.
۲۲. طهماسبی، جواد (۱۳۹۶). اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده در قوانین ایران. *حقوقی دادگستری*، ۸۱ (۹۷)، ۱۱۳-۱۴۱.
۲۳. کاظمی، علیرضا (۱۳۷۹). بررسی ابعاد حقوقی دادگاه لاکربی. *سیاست خارجی*، ۱۴ (۴)، ۱۰۶۹-۱۰۹۲.
۲۴. مالدار، محمدحسن و جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا (۱۳۹۹). بازخوانی و تعمیم ادله منع

اجرای حدود در سرزمین دشمن در جهان معاصر. *جستارهای فقهی و اصولی*، ۶ (۲۶)، ۹۵-۱۲۱.

۲۵. میرمحمدصادقی، حسین و ایزدیار، علی (۱۳۹۲). صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه با تأکید بر قانون جدید مجازات اسلامی. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۰ (۵)، ۳-۳۸.

ب) منابع انگلیسی

- Books

26. Achille Lauro, hijacking, hijacking, Mediteranean Sea (1985). in: Encyclopedia Britannica.
27. Commentaire de l'arrêt CrimU 31 janvier 2001, Bull. n 31.
28. David J. Harris (2005). *Cases and Materials on International Law*. 6th edition, London.
29. France v. Turkey, 1927 PCIJ (ser. A) No. 10.
30. Schabas William A. (2002). *Genocide in International Law*. 2^{ed} edition, New York: Cambridge University Press. <http://legislationline.org/documents/action/popup/id/6872/preview>

- Articles

31. Echle, Regula (Sep 2013). The Passive Personality Principle and the General Principle of Ne Bis In Idem. *Utrecht Law Review*, Vol. 9, Issue 4, 61.
32. Eric, Cafritz & Omer, Tene (2003). Article 113-7 of the French Penal Code: The Passive Personality Principle. *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol. 41: 585.
33. Plachta, Michael (2001). The Lockerbi Case: The Role of Security Council in Enforcing the Principle Aut Dedere Aut Judicare. *IJEL*, Vol. 12, (1).